

ادامه از صفحه ۴

هلدینگ خلیج فارس و ابهام‌هایی همچنان باقی

در اینجا توجه به یک نکته لازم است. دو کارخانه فجر و مبین اگر قرار باشند برق و آب و بخار را به قیمت آزاد به خریدارانشان بفروشند، سوده هستند اما این احتمال هست که هم برخی از پتروشیمی‌ها ورشکست شوند و هم اینکه تصمیم بگیرند برای بالا بردن سود خود به‌جای خرید آب، برق و بخار از این دو کارخانه، خودشان واحد پتولییتی تأسیس کنند. از سوی دیگر اگر این کارخانه‌ها یعنی فجر و مبین مجبور شوند به‌صورت دستوری و از بالا به قیمت ترجیحی و با اعمال تخفیف آب و برق و بخار را به مشتریانشان بفروشند، ضررده می‌شوند و طبعاً تبعاً امکان عرضه سهامشان در بورس وجود نخواهد داشت. چون اصلاً هدف از تأسیس این واحدها، ایجاد زیرساخت‌های ضروری مورد نیاز تولید مواد پتروشیمی بوده که باید در اختیار صنایع پتروشیمی باشد و از همین روست این شرکت طی قراردادهایی متعهد شده است آب و برق و بخار پتروشیمی‌های خصوصی‌شده را تأمین کند اما مشکل آنجا پیش آمده که موظف به واگذاری سهام همه مجتمع‌هایش شده است.

نکته دیگری هم در این میان هست. برخی کارخانجات پتروشیمی‌ای که در هلدینگ خلیج‌فارس عرضه شده‌اند محصولاتی را تولید می‌کنند که این محصولات مشابه محصولات کارخانجاتی است که پیش از عرضه سهام هلدینگ خصوصی شده بودند. با این وصف این کارخانه‌ها در سمت عرضه رقیب هم هستند. بنابراین اگر قرار باشد که این کارخانه‌های رقیب هلدینگ خلیج‌فارس، آب و برق و بخارشان را از فجر و مبینی بخرند که اینک زیرمجموعه هلدینگ هستند از جهت حقوقی دقیقاً انحصار شکل گرفته است و از این جهت تصمیم شورای رقابت بسیار درست و اصولی است.

اما نکته‌ای که وجود دارد این است که آیا شورای رقابت اختیار فسخ معامله را در مبنایی حقوقی ایران دارد؟ پاسخ دقیق این پرسش را باید جامعه حقوقدانان و اقتصاددانان حقوق‌خوانده کشور بدهند و به نظر می‌رسد که هنوز اجماعی بر سر پاسخ آن وجود ندارد. هرچند انتظار عموم مردم و توده سهامداران خرد و کلان بخش خصوصی از شورای رقابت در مواردی که رانت و انحصار وجود دارد، این است که باید دخالت کند و فضا را برای رقابت اقتصادی فراهم سازد. البته مداخله شورای رقابت باید به گونه‌ای باشد که از آن طرف بام هم نیفتد و به‌گونه‌ای عمل نشود که اعتماد سهامداران به بازار سرمایه از بین برود.

بغض‌م‌ی‌رسد برای حل این‌ معضل حتماً باید این دو کارخانه از فهرست شرکت‌های هلدینگ خلیج‌فارس خارج شوند. شاید یک راه این باشد که وزارت نفت و دولت لایحه‌ای به مجلس ببرد و این دو کارخانه و اصولاً هر شرکت یا کارخانه‌دیگری که وظیفه‌اش زیرساختی و تأمین ندهای تولیدی است را از شمول اصل ۴۴ خارج کنند. توجه کنیم که اعتراضات مشابهی هم در وزارت ارتباطات بر سر دامنه خصوصی‌سازی مخابرات وجود دارد. باید یکبار دیگر اندیشید؛ راه طی‌شده را بازبینی کرد. انحصار بد و البته ابطال بی‌دلیل معاملات هم بدتر است. اگر اولی موجب کاهش رقابت است دومی باعث سلب اعتماد مردم از بازار است. مردمی که با همه مشکلات از رفاهیات خود کاسته‌سپ‌انداز کرده و با زحمت بسیار اندک سرمایه‌ای فراهم کرده‌اند و به امید کسب سودی و مدد معاشی، چشم به تابلوی‌های خیابان حافظ دارند.

پس لازم است که نهادهای دخیل در مساله مثل شورای رقابت یا وزارت نفت یا شرکت ملی صنایع پتروشیمی نسبت به مساله ابطال و ابهاماتی که نسبت به آن باقی است انظار نظر کرده و افکار عمومی را توجیه کنند.

ادامه صفحه اول

بهتر است با تیم‌های آمریکای جنوبی هم‌گروه نشویم

در بین تیم‌های سید چهارم هم از آنجایی که همه اروپایی هستند، نمی‌توان بین آنها تفاوت قابل شد، انگلستان، ایتالیا، هلند، بر تغال و فرانسه تیم‌های قدرتمندی هستند و احتمالاً با یکی از آنها هم‌گروه خواهیم شد و حالا باید دید کدام‌یک با ایران هم‌گروه می‌شود.

متأسفانه تیم‌ملی ایران بازی تدارکاتی ندارد و به هیچ‌عنوان نمی‌تواند خود را به‌خوبی محک بزند، در حالی که ما قبل از جام‌جهانی حداقل باید با چهار تیم خوب مثلاً دو تیم از آمریکای جنوبی و دو تیم اروپایی بازی کنیم. ما دست‌وپایسته‌قدم به جامی می‌گذاریم که همه تیم‌ها با آمادگی کامل به میدان می‌آیند، این می‌تواند به یک فاجعه برای ایران تبدیل شود، چون اتفاقاتی که در فدراسیون فوتبال افتاده، نشان می‌دهد که عزمی برای بازی تدارکاتی یا تیم‌های بزرگ دنیا وجود ندارد و باید روی هوش مربی و خلاقیت بازیکنان حساب کنیم.

بعضی‌ها می‌گویند تیم‌ملی بهتر است با تیم‌های قدرتمند بازی کند تا حداقل تیم‌ملی محک بخورد، اما به نظرم با توجه به شرایط فوتبال ایران در حال حاضر امکان دارد، اتفاقاتی که در بازی با آلمان و عربستان افتاد، برای ایران هم بیفتد. اینکه خیلی از تیم‌ها دوست دارند با ایران هم‌گروه شوند، نشان می‌دهد که به‌خوبی شرایط فوتبال ایران را می‌دانند و به نظرم باید به حال فوتبال ایران افسوس خورد. سخت‌ترین گروه برای ایران، برزیل، هلند و ساحل‌عاج است و آسان‌ترین گروه قرار گرفتن ایران در کنار سوئیس، الجزایر و یونان است.



یکی از دشواری‌های اقتصاد ایران در حال حاضر فقدان نظارت قابل قبول بر کارکرد واحدهای مختلف اقتصادی و مدیریتی است. نظارت استاندارد موجب افزایش کارایی و اثربخشی است چون اهداف مورد نظر با هزینه کمتری پوشش داده می‌شود. زمانی که کارآیی و اثربخشی واحدهای اقتصادی و مدیریتی بالا رود، در واقع بهره‌وری اینها بهبود می‌یابد که خود مستقلاً از اهداف اساسی سیاست‌گذاری در سطوح خرد و کلان است. تأکید یک نکته در آغاز این بحث، مناسب به نظر می‌رسد و آن این است که انجام نظارت استاندارد برخلاف تصور ظاهری، مستلزم راه‌اندازی یک دستگاه جدید در واحدهای اقتصادی و مدیریتی موردنظر نیست بلکه اساساً نظارت، اصلی‌ترین وظایف آن واحدها و مدیریت‌هاست، زیرا مدیریت به معنای اعمال فنون و تدابیری در سازماندهی، هدایت، نظارت، کنترل و حل‌وفصل دشواری‌های احتمالی است. وانگهی چون فلسفه اصلی اعمال نظارت، بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه است بنابراین ایجاد یک دستگاه موازی برای نظارت، خود نقض‌غرض است. علاوه بر این در صورت عدم انجام نظارت استاندارد، گویی یک بخش عظیم از وظایف مدیریتی تعطیل شده است. با وجودی‌که پاسخگویی مدبران کشورهای توسعه‌یافته بر میزان نظارت آنها استوار است، در اقتصاد ایران و کشورهای مشابه، با جای خالی نظارت استاندارد روبه‌رو هستیم. اتفاقاً یک دشواری کلیدی دیگر در این رابطه، وجود مراکز و دستگاه‌های نظارتی فراوان، پرهزینه و موازی در ایران است که با روح کارآمدی سازگار نیست. در هر صورت نظارت موجب بهبود بهره‌وری و به نوبه خود، باعث افزایش رشد اقتصادی و در نهایت ظرفیت‌سازی برای خیز توسعه می‌شود. این امر به شکل یک قاعده سرانگشتی درآمده که بیش از ۲۰ درصد کارآمدی و اثربخشی سیستم‌ها و زیرسیستم‌ها به نظارت استاندارد مربوط است.

وقتی گفته می‌شود کارآمدی شرکت‌های خصوصی ژاپن، آلمان یا آمریکا بالای ۸۵درصد است؛ یعنی شرکت‌های مربوطه تقریباً نزدیک کارایی کامل عمل می‌کنند. در این ارتباط میانگین کارآمدی شرکت‌های ایرانی (دولتی و خصوصی) کمتر از ۵۲درصد گزارش می‌شود. بنابراین بخش عظیمی از منابع این کشور هدر می‌رود. با اطمینان می‌توان گفت یکی از اصل‌ترین عوامل مؤثر در بالا بردن کارآمدی شرکت‌های ژاپنی، آلمانی و آمریکایی نسبت به بنگاه‌های ایرانی، معنی‌داری نظارت در گروه اول و فقدان نظارت استاندارد در دومی است. اثربخشی سیستم‌ها و واحدهای اقتصادی نیز با نظارت ارتباط نزدیک دارد. اثربخشی یک دستگاه یا یک کارگزار اقتصادی در واقع میزان تحقق واقعی اهداف دستگاه یا کارگزار، یادشده نسبت به کل اهداف مورد انتظار است. مشهور است که اثربخشی دستگاه‌ها، واحدها و کارگزاران اقتصادی کشورهای پیشرفته، بالاتر از ۸۰درصد و در مورد ایران، نزدیک ۵۵درصد است. نقش نظارت بر اثربخشی، همپای نقش نظارت بر کارآمدی است. جالب توجه است که واحدهایی که کارآمدی و اثربخشی بالای ۷۵درصد دارند دارای بهره‌وری بالایی نیز خواهند بود. این موضوع هم از لحاظ نظری و هم تجربی مورد حمایت جدی است. در عین حال درک این‌ موضوع با توجه به پیوند کارآمدی و اثربخشی به بهره‌وری بسیار سراسرت است (چون از یک منظر بهره‌وری جمع کارآمدی و اثربخشی است). افزایش بهره‌وری موجب افزایش رفاه شهروندان می‌شود. از همین زاویه است که رضایت اکثریت شهروندان با نظارت استاندارد گره می‌خورد.

منظور از نظارت استاندارد بررسی دقیق عملکرد دستگاه‌ها، کنترل سازگاری آنها با قوانین مصوب و منطبق اقتصاد از یک‌سو و حل دشواری‌های احتمالی از سوی دیگر است. در سطح ملی به‌طور معمول معاون رییس‌جمهور یا معاون نخست‌وزیر، نظارت بر کل دستگاه‌ها را بر عهده می‌گیرد.

یک حلقه از بحث که نظارت را به اقتصاد متصل می‌کند موضوع عقلانی‌بودن هزینه‌ها در کنار دیگر اهداف است. بنابراین انجام نظارت استاندارد در حوزه‌های غیراقتصادی (مثل آموزش، بهداشت، امور انتظامی، فرهنگ و ورزش، امور اجتماعی و حتی سیاسی) از منظر کاهش هزینه‌ها پیوند جدناپذیری با امور اقتصادی دارد (در ادامه نمونه‌ها و مصداق‌هایی در جای خالی نظارت در اقتصاد ایران بیان می‌شود. همان‌طور که اشاره شد بحث از منظر هزینه دنبال می‌شود، در نتیجه برخی امور غیراقتصادی را هم شامل می‌شود). در صورتی که نوعی نظارت استاندارد بر اقتصاد و مدیریت اقتصادی به‌عمل می‌آمد، این کشور دست‌کم از بخشی از نارسایی‌ها رنج نمی‌برد. کشور عظیمی چون ایران، جوان‌ترین کشور دنیاست و در نتیجه اگر در مورد آن استراتژی‌های سازگار عملیاتی و مدیریتی اعمال می‌شد، از نرخ ۲۶درصد بیکاری در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی رنج نمی‌برد؛ حدود ۴۵درصد فعالیت‌های کشور جنبه نامولد و رانتی پیدا نمی‌کرد؛ سهم تجارت مولد این کشور ۸۰میلیونی کمتر از یک‌صدم تجارت جهانی نبود. در بهبود وضع تجارت جهانی کشورهای مختلف به‌طور جدی باید استانداردها ملاحظه شود، مقررات فنی کاملاً چک شود و رویه‌های ارزیابی انطباق اجرا شود. هر سه اینها با نظارت ارتباط تنگاتنگ دارند.

اقتصاد

جای خالی نظارت استاندارد در اقتصاد ایران



عکس: محمد زائرینا

حین اجرا، نظارت صورت گیرد. ۳- به مراحل مختلف کنترل و نظارت توجه شود. در نتیجه باید شاخص‌ها و استانداردها معرفی شوند، نتایج مورد انتظار توصیف شود، فاصله وضع موجود و وضع مطلوب سنجیده و برای پوشاندن بخشی از شکاف مربوطه، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شود. ۴- هم ساختار مدیریت اقتصادی و هم رفتارها و بسترها مورد بازبینی مداوم قرار گیرد. همه اینها باید با نگاهی پویا و آینده‌محور به پیش رود و به پیوندهای شبکه‌ای و سیستمی نظارت توجه شود. ۵- «خودنظارتی» آموزش داده شود. به گونه‌ای که افراد و گروه‌ها ناظر بر رفتار خود بوده، پیوند ذاتی نظارت و مدیریت را لمس کنند. یکی از سه عامل عمده رشد بهره‌وری در آلمان، استرالیا، کره‌جنوبی، اتریش، فنلاند، دانمارک و ژاپن وجود نظارت استاندارد گزارش شده است. کاهش حدود ۳۰درصد بزهکاری در کشورهای پیشرفته به دلیل نظارت استاندارد دستگاه قضایی آن کشورها گزارش می‌شود.

دشواری‌های عظیم نظارت استاندارد در آموزش

عالی، آموزش و پرورش، واحدهای کسب‌و کار، نظام

پولی و بانکی، بخش‌های کشاورزی، بازرگانی، صنعت و دیگر موارد، به‌طور واضح وجود دارد. در ایران علاوه بر دستگاه‌های نظارتی بسیار فراوان، ۲۷ سامانه نظارتی رسمی و اصلی وجود دارد در عین حال بهره‌وری دستگاه‌های مختلف کمتر از ۵۵درصد است این در حالی است که اصلی‌ترین سامانه‌های نظارتی در هلند، اتریش و انگلستان پنج مورد است و دستگاه‌ها با کارآمدی بالای ۸۰درصد به پیش می‌روند. در هر صورت فقدان نظارت استاندارد در ایران نوعی ترازوی اقتصادی و مدیریتی است و این در حالی است که سرمایه انسانی شایسته و بسترهای فنی کافی برای عملیاتی‌کردن نظارت مورد نظر وجود دارد. دولت جدید با توجه به فضای جدید و در راستای عملی‌کردن منافع تدبیر و امید می‌تواند موضوع نظارت را جدی‌تر قلمداد کند.

این اقدام می‌تواند هم بخشی از هزینه‌ها را بکاهد و هم زمینه رضایت بیشتر برای شهروندان را فراهم سازد؛ شهروندانی که با امیدواری بالا این دولت را برگزیده‌اند.

نگاه

پشتیبانی امور دام نهاده را دوباره گران کرد

● **تسنیم:** مدیرعامل تعاونی مرغداران مرکز از اعتراض مرغداران به پرداخت مابه‌التفاوت قیمت نهاده به پشتیبانی امور دام خبر داد و گفت: این شرکت قیمت ذرت و سویا را ماه گذشته افزایش داد و مرغداران برای دریافت مابقی نهاده باید مابه‌التفاوت پرداخت کنند. سیدحسین صنیع‌خانی در مورد حل مشکل تأمین نهاده برای فعالان بخش دام و طیور گفت: مشکل اصلی این بود که شرکت پشتیبانی امور دام، نهاده‌هایی که توسط اتحادیه‌ها یا سایر افراد فروخته بود را به صورت کامل تحویل نداده و این موضوع منجر به اعتراض مرغداران شده است.

۷۰درصد بازار بیمه در انحصار دولت است

● **مهر:** نایب‌رییس مجلس با اعلام اینکه ۷۰درصد بازار بیمه در انحصار دولت است، گفت: این ادعا که ۴۰ تا ۴۲درصد صنعت بیمه کشور در اختیار بیمه‌های دولتی است، نادرست است و مابقی پرتقوی صنعت بیمه نیز در اختیار بخش خصوصی نیست و بهتر است این صنعت را خصولتی نامید.

بدهی ۱۵۰میلیاردتومانی هواپیمایی آسمان

● **تسنیم:** مدیرعامل شرکت هواپیمایی آسمان با اشاره به اینکه بابت قیمت سوخت با شرکت بخش اختلاف داریم گفت: بدهی سوختی ما تا پایان سال گذشته ۱۵۰میلیاردتومان بود که امسال نیز ماهانه حدود ۷۰۰میلیون تومان به آن اضافه شده است.

مصرف بنزین سیر صعودی گرفت

● **تسنیم:** بررسی آمار مصرف فرآورده‌های نفتی در دهمین هفته پاییز نسبت به هفته قبل آن، از رشد ۴/۲درصدی مصرف بنزین در کشور و رشد ۲۶درصدی مصرف نفت سفید در کشور حکایت دارد.

دستور ویژه دولت برای تأمین و واردات بنزین تا فروردین ۹۳

● **تسنیم:** تأمین و واردات بنزین تا فروردین ۹۳ در دستور کار وزارت نفت و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی قرار گرفت. همچنین تا اطلاع ثانوی تولید بنزین از پتروشیمی‌ها ادامه خواهد داشت.



شرکت ارتباطات ثابت ایران
(سامانی خاص)

۱۴ لغایت ۱۷ آذرماه

آشنای اول میزبان شما



در نمایشگاه الکامپ

سالن ۷ و ۴۴

آشنا و اول